

## بازیابی پیکره فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری

مسلم خسروی زارگز\*

سمیه بخشی\*\*

### چکیده

مقوله‌ی فرهنگ دارای معانی بسیار و استعمالات گوناگون وسیع و پیچیده‌ای است. در علت پیچیدگی فرهنگ می‌توان گفت، فرهنگ مقوله‌ای متجانس نیست، بلکه متشکل از عناصر متعددی است، با این وجود فرهنگ انسجام خود را حفظ کرده و یک کل تجزیه‌ناپذیر و پویا را تشکیل داده است و در گذر زمان از دیدگاه افراد با تخصص‌ها و رویکردهایی متفاوت (اعم از مادی و معنوی)، با تعاریف و مفاهیمی متعدد بیان شده است. این مقوله‌ی پیچیده و چندبعدی با بار ارزشی و علمی پررنگی که در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است، می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک بر رفتار و اندیشه‌ی اعضای یک جامعه متأثر باشد و نقطه‌ی شروعی برای حرکت و پویایی و یا مانعی در راه پیشرفت به‌شمار آید.

مسئله‌ی فرهنگ یکی از دغدغه‌های مهم و امروزی همه‌ی جوامع بشری است و همه‌ی آنها نگران آینده‌ی فرهنگی خود هستند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که با توجه به ایدئولوژی متفاوتش با هژمونی غرب و خطر استحاله‌ی فرهنگی از درون در این زمینه، دغدغه‌ی جدی دارد و از جمله کسانی که تأکید مؤکدی در این حوزه دارد، مقام معظم رهبری است. ایشان اهمیت فوق‌العاده‌ای به مقوله‌ی فرهنگ داده و

\*. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) moslem.khosravy@birjand.ac.ir

sbakhshi50@gmail.com

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یزد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۴

آن را مقدمه‌ی خیزش و توسعه‌ی کشور می‌داند. در بیان اهمیت فرهنگ در اندیشه‌ی رهبری همین بس که ایشان می‌فرماید من حاضرم جانم را در راه فرهنگ فدا کنم. در این نوشتار با توجه به آنچه گفته شد، به شناخت پیکره و اهمیت مقوله‌ی فرهنگ، کارکردهای فرهنگ، آسیب‌هایی که هم اکنون فرهنگ ما گرفتار آن است و به راه‌های برون رفت از این آسیب‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته خواهد شد.

## واژگان کلیدی:

فرهنگ، اهمیت فرهنگ، کارکردهای فرهنگ، آسیب‌های فرهنگی.

## مقدمه

واژه‌ی فرهنگ طیف معنایی گسترده‌ای مانند مسکن گزیدن، کشت کردن، حراست کردن و پرستش کردن و ... را دربرمی‌گیرد. این واژه در زبان فارسی ریشه‌ای پهلوی دارد و معرب آن را "فرهنج" گفته‌اند. معنی اصلی واژه‌ی فرهنگ به زبان پهلوی همان تعلیم و تربیت است و در زبان فارسی، واژه‌ای مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" است. "فر" پیشوند و به معنی جلو، بالا، بر و پیش آمده است و "هنگ" از ریشه‌ی اوستایی "تنگ" به معنی کشیدن و سنگینی و وزن می‌باشد. با این وجود، در ادبیات فارسی هیچ‌گاه به مفهومی که برخاسته از ریشه‌ی کلمات باشد، نیامده است، بلکه به معنی علم، ادب، هنر، بزرگی، سنجیدگی و ... آمده است که بر حسب زمان با مفاهیم مختلف به کار رفته است (روح الامینی، ۱۳۷۷: ۱۳ - ۱۱).

پیرامون چیستی و مفهوم فرهنگ تعاریف و برداشت‌های گسترده‌ای به عمل آمده است که در اغلب آنها فرهنگ، دربرگیرنده‌ی مجموعه عناصری است که بیش‌تر در قالب حفظ وضع موجود و به تعبیر بهتر، در راستای حفظ تعادل نظام حرکت می‌کند. بنابراین، فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ی تافته و تنیده و سازوار شده‌ای از بینش‌ها، منش‌ها و کنش‌های پایدار در بستر زمینی و بازه‌ی زمانی مشخصی که همچون هویت و طبیعت ثانوی جمعی طیفی از انسان‌ها صورت بسته باشد. به طور اجمالی فرهنگ عبارت است از زیست جهان مشهود و نامشهود جمعی آدمیان در زمان و زمینی معین (رشاد، رشاد، ۱۳۹۱: ۱۱ - ۱۰).

مفهوم فرهنگ در دانش مردم‌شناسی و انسان‌شناسی نخستین بار در انگلستان در قرن ۱۹

میلادی از سوی انسان شناس برجسته‌ی انگلیسی "ادوارد برنت تایلر"<sup>۱</sup> مطرح شد. به نظر وی فرهنگ، مجموعه‌ای کامل است شامل: معرفت (دانش)، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و همه‌ی توانایی‌ها و عادات مکتسب انسان که به مثابه عضو از جامعه، آنها را اخذ می‌کند (جلالی مقدم، ۱۳۷۶: ۶۵). این نظریه یعنی اختصاص مفهوم فرهنگ به همه‌ی عقاید و آداب و رسوم و استعدادها و مهارت‌هایی که انسان در جامعه کسب می‌کند و در آغاز از تضاد بین طبیعت و فرهنگ سرچشمه می‌گرفت و به مجموعه‌ای از وجوه مابینت که بین انسان و حیوان وجود دارد، می‌پیوست و انسان را با تحولات و پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی فنون و ساخته‌های مادی یا غیر مادی دارد مورد توجه قرار می‌دهد و براین اساس است که گفته می‌شود، "فرهنگ نمودار فعالیت انسان‌های زنده در جامعه است، سرمایه‌ای در عین حال مادی و ایده‌ال" (طبیعی، ۱۳۵۲: ۵۰ - ۴۸).

این تعریف از فرهنگ حدود ۵۰ سال به انسان شناسان خدمت کرد و تا ۳۲ سال پس از تایلر، کسی به تعریف فرهنگ مبادرت نکرد. از سال ۱۹۲۰م، به بعد بود که تلاش بزرگی برای توضیح و تبیین فرهنگ صورت گرفت. از میان این تعاریف می‌توان به تعریف اولسون<sup>۲</sup> اشاره نمود که عقیده دارد: مجموعه اندیشه‌های مشترک محل رجوع مفاهیم جامعه‌شناختی معاصر، فرهنگ است؛ به طوری که هر گونه اندیشه‌ای، از فن ساده‌ی ساختن آتش تا فلسفه‌های انتزاعی، می‌توانند مشمول یک فرهنگ شوند. اولسون چهار جزء اصلی برای فرهنگ قایل است که عبارتند از باورها که به سؤال "چیست" پاسخ می‌گویند؛ ارزش‌ها که به سؤال "چه باید باشد" می‌پردازند؛ هنجارها که به سؤال "چه باید انجام شود" و سرانجام فن‌آوری‌ها که به سؤال "چگونه انجام شوند" پاسخ می‌دهند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۷).

#### اجزای اصلی فرهنگ از دیدگاه اولسون

باورها	ارزش‌ها	هنجارها	فن‌آوری‌ها	اجزاء اصلی (پاسخ‌ها)
چیست؟	چه باید باشد؟	چه باید انجام شود؟	چگونه انجام شوند؟	سوالات

با توجه به تعاریف مختلف فرهنگ و عناصر اساسی آن، فرهنگ را می‌توان الگوهای مشترک فکری و رفتاری تلقی نمود که شامل عناصر اساسی ذیل است:

1 Edward bunt Tylor

2 Olson

باورها: که به نگرش انسان به جهان و هستی شکل می‌دهد و مشروعیت بخش ارزش‌ها است؛  
 ارزش‌ها: که محیط را برای انسان معنا بخشیده و به کنش او جهت می‌دهد و اهداف و وسایل  
 نیل به اهداف را برای وی ترسیم می‌کند و مشروعیت بخش هنجارها است؛  
 هنجارها: که برآمده از دل ارزش‌ها است و قواعدی است که نحوه‌ی عمل و قاعده‌ی بازی را در  
 زندگی اجتماعی برای انسان تعیین می‌کند و مشتمل بر حقوق و وظایف مورد انتظار است؛  
 نمادها: که امکان ذخیره و تبادل دانش و تجربه را برای انسان فراهم می‌سازد؛  
 فن آوری: که ابزار، مهارت و دانش استفاده از ابزار را در اختیار انسان قرار می‌دهد. (محبوبی  
 منش، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

بنابراین می‌توان گفت فرهنگ امری اکتسابی است که انسان از بدو تولد تا پایان حیات از جامعه  
 و گروه طبقاتی خود می‌گیرد؛ همچنین اجزای فرهنگ با یکدیگر رابطه‌ی ارگانیک دارند و نظام  
 فرهنگی موجب می‌شود که تغییر در هر یک از اجزاء کل مجموعه را تغییر دهد و دیگر ویژگی  
 فرهنگ تغییر مداوم و پویایی آن است، فرهنگ‌های انسانی ذاتا پویایی دارند و همواره تغییر می‌کنند  
 و در جریان این تغییر، کارکرد آنها بهبود می‌یابد و به رفاه انسان منتهی می‌گردد. نظام فرهنگی  
 همواره در حال تحول است به این معنی که هر فرهنگی در سیر خود الزاما با موانعی طبیعی یا  
 اجتماعی روبه‌رو می‌گردد و در نهایت تحت تأثیر عوامل پویای درونی و نیز عوامل پویای بیرونی راه  
 خود را می‌گشاید و سیر تکاملی خود را دنبال می‌کند. منظور از پویایی درونی حرکت درنگ ناپذیری  
 است که در درون یک نظام فرهنگی جریان می‌یابد و مراد از عوامل بیرونی این است که هیچ نظام  
 فرهنگی نمی‌تواند از نظام‌های فرهنگی دیگر برکنار بماند. به عبارت دیگر برخورد فرهنگی بین  
 نظام‌های فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۲۴). برخورد فرهنگی ممکن است از  
 طریق تجارت، جنگ، مهاجرت و راه‌های دیگری صورت گیرد و ضرورتا به تحرک ذهنی و آگاهی و  
 خلاقیت و به وضعی که انفجار فرهنگی نام گرفته است می‌انجامد. از سوی دیگر انزوای فرهنگی  
 عموما به سکون ذهنی و ایستایی شخصیت و نازایی فرهنگی یا اجتماعی منتهی می‌گردد. بنابراین  
 برخورد فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است. مبادله‌ی فرهنگی و تراوش فرهنگی ضرورت دارد. زیرا  
 هیچ فرهنگی نمی‌تواند همه‌ی عناصر موجود در قلمرو خود را بیافریند و از این رو ناگزیر باید از  
 فرهنگ‌های دیگر چیزهایی را دریافت کند (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۲۵ - ۲۴).

سؤال اصلی پژوهش حاضر راینگونه می‌توان مطرح کرد که در اندیشه مقام معظم رهبری  
 فرهنگ چه تعریفی دارد و جایگاه، اهمیت، آسیب‌ها و راهکارهای آن در اندیشه‌ی ایشان چیست

است؟ به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری تعریف اندامواره‌ای از فرهنگ دارد و آن را روح کالبد جامعه می‌داند، جایگاه و اهمیت فرهنگ در نظر ایشان هویت‌سازی و هویت بخشی است.

### چارچوب نظری

فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی در سراسر تاریخ، شالوده و اساس رفتار انسان را شکل داده است و بنابراین فرهنگ را هیچ‌گاه نمی‌توان به طور کامل و جامع تعریف کرد. این امر تا حدودی به این علت است که فرهنگ بسیار پیچیده و پویا است. در عمل، دیدن از زوایای هزارتوی فرهنگی نیازمند شناخت نمادها و مظاهر هویت فرهنگی است، تصاویر، مفاهیم، هنجارها، ارزش‌ها و روش‌هایی که به نظر می‌رسد در تعیین حیات سیاسی یا اجتماعی حائز اهمیت است. امروزه ادراکات نظری از فرهنگ، ادبیات انبوهی پدید آورده که مرور گزینشی و منتقدانه‌ی آنها ضمن جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته، دستاوردهای حاصل شده را مورد توجه قرار می‌دهد.

### نظریه‌های مختلف در باب فرهنگ

#### ۱-۱. فرهنگ از منظر خردگرایی<sup>۱</sup>:

این جریان (نظریه‌های واقع‌گرایی<sup>۲</sup>، نئوواقع‌گرایی<sup>۳</sup>، لیبرالیسم<sup>۴</sup>، نئولیبرالیسم<sup>۵</sup> و ...)، اصولاً عوامل غیر مادی را مورد توجه قرار نمی‌دهند و لیکن اصول حاکم بر این جریان به پدید آمدن فرهنگ خاصی در روابط بین الملل انجامیده است. فشارهای سیستماتیک و ساختاری نظام بین الملل عملاً دولت‌ها را در فرایند نوعی جامعه‌پذیری از لحاظ همگون‌سازی رفتارها قرار می‌دهد به گونه‌ای که با وجود تعلقات نظام‌ها از لحاظ فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی، آنها مشابه هم عمل می‌کنند به عبارت دیگر ساختار نظام بین الملل مبادرت به نوعی فرهنگ‌سازی نموده و هنجارهای خاصی را به کلیه بازیگران تجویز می‌نماید. در این فرایند جامعه‌پذیری، ترس، تعارض و آشوب زدگی همچنان به عنوان ویژگی‌های اصلی سیاست بین الملل وجود دارند. ادراکات و رفتارهای خارجی دولتها نیز به شدت متأثر از این فضای هنجاری است و این فضا بر ایستارها و اجزای سیستم اثر می‌گذارد (قوام،

---

1 Rationalism  
2 Realism  
3 Neo-Realism  
4 Liberalism  
5 Neo-Liberalism

۲-۱. فرهنگ از دیدگاه مارکسیسم<sup>۱</sup>:

در این جریان فرهنگ به عنوان یک ابزار در خدمت نظام سرمایه داری جهانی عمل می کند. مارکسیست ها اعتقاد دارند، نظام سرمایه داری ابزار تولید فرهنگ را در اختیار دارد و فرهنگ به عنوان یکی از اشکال روبنا در خدمت ایدئولوژی حاکم بر نظام بین الملل است که با ایجاد چارچوبی فرهنگی ذهنیت جامعه ی بین الملل را شکل می دهد. مارکس ۲ و انگلس ۳ به پدیده های فرهنگی تنها اشاره هایی گذرا داشته اند، از نظر آنها شالوده های اقتصادی جامعه از نیروها و روابط تولیدی تشکیل می شود که در آن فرهنگ و ایدئولوژی به منظور کمک به حفظ سیادت گروه های اجتماعی حاکم برساخته شده اند، اندیشه های فرهنگی هر عصر در خدمت منافع حاکم، ایدئولوژی های را فراهم می آورند که سلسله ی طبقاتی را مشروعیت می بخشند (کلنر، ۱۳۸۳: ۱۴۳ - ۱۴۱).

۳-۱. فرهنگ از منظر مکتب انتقادی<sup>۴</sup>:

این نظریه که به مکتب فرانکفورت نیز معروف است، معتقد است یک فرهنگ در جامعه ی جهانی سرمایه داری بر دیگر فرهنگ ها توسط نیروهای سلطه گر حاکم شده است و راه برون رفت از این وضعیت بازگشت به اخلاق هنجاری از طریق گفت و گوهای میان فرهنگی در روابط بین الملل می باشد. سرمایه داری مدرن توانسته است بر بسیاری از تضادها و بحران هایی که زمانی با آن مواجه بود فائق آید و یکی از مسائلی که این روند را تسهیل نموده است، صنعت فرهنگ می باشد. در نتیجه، جهت گیری این مکتب، معطوف به سطح فرهنگی و آنچه که واقعیت های جامعه سرمایه داری نوین می خواند، بوده است. به این معنا که کانون تسلط در جهان نوین از اقتصاد به قلمرو فرهنگی انتقال یافته است (محمدی، ۱۳۹۲: ۹۴ - ۹۳). این مکتب با تحلیل انتقادی صنعت فرهنگ به دنبال تبیین و ارزیابی فرهنگ توده ای است تا از این رهگذر بتواند فرهنگ والا و متعالی شکوفاکننده ی عقلانیت راستین را به انسان ها معرفی کند. بنیامین<sup>۵</sup> از نظریه پردازان مکتب انتقادی بر این باور است که محصولات فرهنگی با پیشرفت تکنولوژی دستخوش تحول واقع شده است، اما با این وجود وفور

1 Marxism

2 Karl Marx

3 Friedrich Engels

4 Critical

5 Walter Benjamin

محصولات فرهنگی سبب می‌شود که توده‌ی مردم بتوانند با تکثیر محصولات فرهنگی از آنها بهره‌برند. بنابراین اگر چه امروز فرهنگ ارزش تجاری دارد اما در میان مردم جای گرفته و بر زندگی و موقعیت اجتماعی‌شان تأثیر دارد (یاراحمدیان، ۱۳۹۳: ۵۷)

#### ۴-۱. فرهنگ از منظر سازه‌انگاری<sup>۱</sup>:

دیدگاه سازه‌انگاری واقعیت اجتماعی را متفاوت با واقعیات مادی می‌داند و به بعد معنای حیات اجتماعی نیز توجه دارد و بیش از آنکه به دنبال تبیین باشد به دنبال تفسیر و فهم روابط اجتماعی است. به طور خاص به بنیان‌های غیرمادی هویت دولت به ویژه بعد فرهنگی آن توجه دارد و جامعه بین‌الملل را تحت حکومت قواعد می‌بیند. این جریان معتقد است بدون توجه به عوامل هنجاری - فرهنگی به شناخت لازم از مقوله بین‌الملل نخواهیم رسید. لذا براین باور هستند که در تحلیل مسائل بین‌المللی بایستی به عوامل مادی و غیر انسانی توجه کرد و از هنجارها و ارزش‌ها بهره‌برد. سه فرض هستی‌شناسی سازه‌انگاران عبارتند از اینکه نخست، عوامل مادی و ساختارها و عوامل معنایی نقش برابر در شکل دادن به هویت و رفتار بازیگران سیاسی و اجتماعی دارند؛ دوم، رفتار و منافع دولت‌ها تابع هویت آنها است، از این رو امکان بروز رفتارهای متفاوت از دولت‌ها که ناشی از گفتمان فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی داخلی است وجود دارد و سوم این که بین ساختار و کارگزار سازندگی متقابل وجود دارد و هویت و فرهنگ کارگزار بر ساختار تأثیر می‌گذارد (کلارک، ۱۳۸۲: ۹ - ۸). از منظر الکساندر ونت<sup>۲</sup> متفکر اصلی نظریه‌ی سازه‌انگاری با وجود اینکه توانمندی‌های مادی اهمیت دارند اما می‌توان به شکل فرهنگی‌تر در مورد ساختار اندیشید و به جای تصویر بدبینانه‌ی ناشی از تمرکز بر قدرت، با تأکید بر بعد فرهنگی ساختار به امکانات جدید برای تغییر رسید. از این منظر، این ساختارهای شناختی مشترک‌اند که به عنوان بستر منابع مادی عمل می‌کنند و به آنها معنای لازم را برای کنش انسانی می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

#### ۵-۱. فرهنگ از منظر کارکردگرایی<sup>۳</sup>:

در این دیدگاه، فرهنگ نوعی عقل جمعی است که در حال حیات با زیست جاری بشر به سر می‌برد. در این دیدگاه فرهنگ، ارتباط یک سویه با فرد ندارد بلکه مستعد تأثیرپذیری نیز می‌باشد، اما در این

---

1 Constructivism  
2 Alexander Wendt  
3 Functionalism

ارتباط متقابل همواره فرهنگ است که از قدرت تأثیرگذاری بیش‌تری برخوردار است. همچنین فرهنگ چیزی متفاوت از ارزش‌های بستارمند تاریخی است و کاملاً انتزاع یک جامعه است و همه‌ی رفتارهای اجتماعی و حتی بسیاری از رفتارهای فردی محصول فرهنگ است. تالکوت پارسونز<sup>۱</sup>، پدیده‌ی فرهنگ را از یک طرف، محصول روابط اجتماعی متقابل و از طرف دیگر عامل تعیین‌کننده‌ی این روابط می‌داند. وی به پیروی از سنت مردم‌شناسان که فرهنگ را نظام مناسبات انسانی می‌دانند، فرهنگ را آموزش و پرورش انتقالی و مشترک می‌داند. در تعریف پارسونز فرهنگ عبارت است از، سیستم‌های الگو شده یا سازمان یافته‌ای از نمادها که تحت جهت‌گیری‌های کنش و اجزاء درونی شده‌ی شخصیت افراد و الگوهای نهادی شده‌ی سیستم اجتماعی درآید (سوینج وود، آلن؛ رضایی، محمد، ۱۳۸۰: ۲۸۰ - ۲۷۹).

#### ۶-۱. فرهنگ از دیدگاه ساختارگرایی<sup>۲</sup>:

نگرش ساختارگرایان به فرهنگ متکی بر نگرشی است که به زبان دارند. از آنجا که ساختارگرایان زبان را مقوله‌ای پایدار در نظر می‌گیرند، بنابراین فرهنگ براساس تحلیل همزمانی و رویکرد ذات‌گرایانه مقوله‌ای منسجم و یکپارچه می‌باشد و ساختارهای فرهنگی نتیجه‌ی ارتباطات اجتماعی، نیازهای انسانی و ناخودآگاه جمعی است. لئواشترائوس<sup>۳</sup> فرهنگ را اینگونه توصیف می‌کند: هر فرهنگ را می‌توان همچون مجموعه‌ای از نظام‌های نمادی در نظر گرفت که در ردیف نخست آنها زبان، مقررات زناشویی، روابط اقتصادی، هنر، علم و مذهب جای دارند، همه‌ی این نظام‌ها، بیان جنبه‌هایی از واقعیت فیزیکی و واقعی اجتماعی و بیان روابطی که که این دو نوع واقعیت بین خود و روابطی را که نظام‌های نمادین، خود با یکدیگر برقرار کرده‌اند، هدف قرار می‌دهند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

همانگونه که گفته شد هر کدام از نظریه‌های موجود از زاویه خاصی به مقوله فرهنگ توجه نموده‌اند که می‌توان با کنار هم قرار دادن این زوایا به کلیت و شاکله فرهنگ پی برد.

1 Parsons Talcott

2 Structuralism

3 Leo Strauss



جدول ۱ - ۱ خلاصه دیدگاه نظریه‌های مختلف درباره فرهنگ را نشان می‌دهد.

ردیف	نظریه	دیدگاه درباره فرهنگ
۱	خردگرایان	- عدم توجه به عوامل غیر مادی - تأکید بر همگون سازی رفتارها - تجویز هنجارهای فرهنگی
۲	مارکسیست‌ها	- فرهنگ ابزار سرمایه داری - فرهنگ یکی از اشکال روبنا - فرهنگ در خدمت منافع حاکمان
۳	انتقادی (فرانکفورت)	- صنعت فرهنگ - فرهنگ توده‌ای - گفتگوهای میان فرهنگی
۴	سازه انگاری	- شناخت عوامل هنجاری - فرهنگی - گفتمان فرهنگی حاکم
۵	کارکردگرایی	- ارتباط دو سویه فرهنگ و جامعه - فرهنگ نوعی عقل جمعی
۶	ساختارگرایی	- فرهنگ مقوله‌ای منسجم و یکپارچه - فرهنگ مجموعه‌ای از نظام‌های نمادی

## ۲. بررسی نقش و جایگاه فرهنگ در نظام سیاسی از منظر مقام معظم رهبری

تحلیل آموزه‌های متعدد و متواتر اسلام در باب تأکید اصالت فرهنگ است که آن هم اعتقاد به خاستگاه دوگانه‌ی فرا انسانی - انسانی دارد. کاوش در اندیشه‌ی رهبری در جامعه‌ی اسلامی نشانگر همین دیدگاه است (سیاه پوش؛ آقایی، ۱۳۸۹: ۳۸ - ۳۷). اندیشه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری مجموعه‌ای از پارامترهای نهفته در فرهنگ ایرانی و اسلامی جامعه ایران را نشان می‌دهد که بررسی وجوه گسترده و متنوع آن از دو مسیر ممکن است. از یک سو بخش عمده‌ای از اندیشه‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب اسلامی از مجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی تئوریزه و در برنامه‌ریزی‌های کلان نظام مقدس اسلامی لحاظ می‌شوند، و از سوی دیگر توسط شخص ایشان و به مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌های گوناگون بیان می‌گردند. در واقع سیاست گذاری در چارچوب قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران تنها با در نظر گرفتن اصول اساسی حاکم بر این دو منبع عظیم و گرانقدر است که می‌تواند مفید واقع شود و مردم و نظام مقدس اسلامی را هر روز در مسیرهای جدید ترقی و منازل استوار توسعه پایدار بویژه در حوزه مسائل فرهنگی به پیش راند.

#### ۱ - ۲. تعریف مقوله فرهنگ از دیدگاه رهبری:

مقام معظم رهبری معتقدند: فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۱/۰۱)، بیانات در حرم مطهر رضوی، قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart))، یا در جای دیگر ایشان با تلقی فرهنگ به عنوان یک عنصر مهم در جامعه، معتقدند: «ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است، حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش؛ اینها تشکیل دهنده‌ی میانی فرهنگ یک کشور است؛ اینهاست که یک ملت را شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند، یا سرافکنده، ذلیل، فرودست، خاک نشین و فقیر می‌کند. فرهنگ عنصر خیلی مهمی است» (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۲۷).

#### ۲ - ۲. نقش حکومت در حوزه فرهنگ از دیدگاه رهبری

آنچه در مقوله‌ی فرهنگ بر عهده‌ی حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه؛ باید به این مجموعه کمک کرد تا بتوانند راه صحیح و رشد خویش را پیش ببرند. امروز با وجود رسانه‌های جهانی که انگیزه‌ی جدیدی در تزریق و تلقین فرهنگ‌های خاص مراکز قدرت جهانی دارند، نمی‌شود میدان را رها کرد تا دیگران هر کاری که می‌خواهند، بکنند. همان افرادی که دم از لیبرال بودن می‌زنند، دقیق‌ترین شیوه‌ی کنترل را بر روی فرهنگ کشورهای خودشان اعمال می‌کنند و درصدد اشاعه‌ی فرهنگ خود به کشورهای دیگر هستند. در این فرهنگ تحمیلی، اسم آزادی هست، ولی حقیقت آزادی نیست؛ آزادی تا آنجا هست که با منابع سرمایه‌دارها و مجموعه‌های قدرتمند و ثروتمند جهانی اصطکاک پیدا نکند؛ اما این فرهنگ در قبال مسائل اخلاقی و فضیلت، ... کاملاً آزاد است و در قبال تعدی و تجاوز به معنویت، هم در آزادی مطلق است. بنابراین در قبال هجمه‌ای که امروز وجود دارد، بایستی با دقت، مراقب رفتار و حرکت فرهنگی جامعه بود و برای آن برنامه ریزی کرد؛

این یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت است و حق بزرگی است که مردم بر گردن حکومت دارند؛ حق رشد فضیلت‌ها و پیشرفت در زمینه‌ی معنویات؛ این حق را باید حکومت ایفا کند و برایش برنامه ریزی شود و راه‌های اثرگذار بر روی فرهنگ عمومی مردم و رشد فضایل شناخته شود (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

باید مراقب بود که به نام آزادی در گرداب بی‌بند و باری نیفتیم. ما برای آزادی احترام و ارزش قائلیم و به صورت مبنایی هم معتقدیم که آزادی باید در جامعه باشد؛ آزادی فکر، عقیده و رفتار، و عقیده‌ی ما بر این است که استعداد انسان‌ها باید در فضای آزاد تعالی و تکامل پیدا کند، منتها آزادی یک مسئله است، عدم مدیریت، عدم نظارت، مسئله‌ی دیگری است؛ در مقوله‌ی فرهنگ، باید فضای فرهنگی کشور را باغبانی کرد؛ یعنی مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد. عده‌ای برای این که جامعه را از لحاظ فکری، ایمانی و فضایل اخلاقی از مسیر هدایت اسلامی دور کنند، برنامه ریزی کرده‌اند. وظیفه‌ی حکومت است که با این افراد مقابله کند (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۱۰/۲۳)، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترس، سایت: <http://nahad.um.ac.ir>).

### ۳-۲. نحوه برخورد حاکمان سیاسی با مقوله فرهنگ از منظر مقام معظم رهبری

دخاله در فرهنگ باید ضابطه‌مند باشد، نه افراطی. رهاسازی کامل فرهنگ و یا سخت‌گیری خشن هر دو غلط است، ما نمی‌خواهیم با نگاه افراطی به مقوله‌ی فرهنگ نگاه کنیم؛ بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد و نوع برخورد با آن را طبق ضوابطی که معارف و الگوهای اسلامی به ما نشان می‌دهد، تنظیم کرد. برخورد افراطی، از دوسو امکان پذیر است: یکی از این طرف که ما مقوله‌ی فرهنگ را مقوله‌ای غیر قابل مدیریت بدانیم؛ مقوله‌ای رها که نباید وارد آن شد و با این منطق که نمی‌شود الگوهای فرهنگی را به مردم داد؛ نمی‌شود مردم را در زمینه‌ی مسائل فرهنگی پیش برد، مقوله‌ی فرهنگ عمومی و رشد فرهنگی آنها را رها کرد. این تفکر، تفکر افراطی است. در مقابل آن، تفکر افراطی دیگری وجود دارد که آن سخت‌گیری خشن و نظارت کنترل‌آمیز بسیار دقیق - چه در زمینه‌ی فرهنگ عمومی، چه حتی در زمینه‌ی مسائل و اخلاق شخصی؛ قالب‌گیری کردن و قالب‌ها را تحمیل کردن - است. این تفکر هم به همان اندازه غلط است. نه می‌شود فرهنگ را در جامعه رها کرد که هر چه پیش آمد، پیش بیاید، نه می‌شود آن‌طور سخت‌گیری‌های غلطی را که نه ممکن است و نه مفید، الگو قرار داد (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

#### ۴-۲. اهمیت فرهنگ در حکمرانی مطلوب از دیدگاه رهبری

مقام معظم رهبری معتقدند اساس و ریشه‌ی فرهنگ، عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی. خلیات اجتماعی که برای یک ملت تعیین کننده است، عبارتند از: عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت. اگر ملتی همراه با ایمان و عقیده‌ای که دارد، این اخلیات را هم دارا باشد، در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش، موفق‌تر خواهد بود. بنابراین، مقوله‌ی فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده‌ی یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست، اهمیت مقوله‌ی فرهنگ از این جا است (بی‌نا، ۱۳۹۱: ۱۹).

اهمیت فرهنگ از منظر رهبری در موارد زیر خلاصه می‌شود:

#### ۱- ۴-۲. فرهنگ زیربنا و اساس جامعه:

فرهنگ به معنای یک چیز تجملاتی برای جامعه نیست؛ فرهنگ، اساس است. اگر فرهنگ در یک جامعه، با فرهنگی که با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد، آن جامعه به سمت رشد اقتصادی و رفاه و پیشرفت حرکت خواهد کرد؛ یعنی این فرهنگ، زمینه خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند، از لحاظ آزادی هم به اهداف خودش برسد (خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۰/۱۵)، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: قابل دسترس، سایت: [hawzahnews.com/text-version-detail](http://hawzahnews.com/text-version-detail)).

#### ۲- ۴-۲. فرهنگ به مثابه هویت جامعه:

فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی، روح و معنای حقیقی یک ملت است، همه چیز مترتب بر فرهنگ است، فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند. نمی‌توانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۲۸).

#### ۳- ۴-۲. فرهنگ به مثابه عقل جامعه:

فرهنگ، ذهنیت و عقلیت جامعه و بقیه‌ی امور؛ بقیه‌ی بخش‌های بشرند، پیدا است که که عقل و ذهن انسان، راهنما و تعیین کننده است. اگر فرهنگ یک کشور، فرهنگ منحطی بود؛ چنانچه آزادی، دموکراسی و حق رأی و اینها هم داشته باشد، موجب هرج و مرج و موجب فساد و تباهی او خواهد شد (خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۰/۱۵)، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)). رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، هویت و روح یک ملت است، بر لزوم وجود پیوست فرهنگی برای همه‌ی موضوعات و مسائل مهم در عرصه‌های مختلف اشاره کردند: برخی اوقات ممکن است، تصمیم‌گیری‌ها و مصوبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی علمی، تبعات منفی فرهنگی در جامعه به وجود آورد که دلیل آن نبود پیوست فرهنگی است. لذا برای فعالیت‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی ضروری است (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۹/۱۹)، بیانات در دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترس، سایت: [/newspartfarsi.khamenei.ir](http://newspartfarsi.khamenei.ir)).

#### ۴ - ۴ - ۲ . فرهنگ، جهت دهنده‌ی تصمیمات کلان کشور است:

فرهنگ به عنوان جهت دهنده به تصمیم‌های کلان کشور، حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا در تولید، نقش دارد. فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی، رعایت شود و حدود را معین و جهت را مشخص کند و جهت دهنده به تصمیم‌های کلان کشور باشد. بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه‌ی فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری، حضور و جریان دارد؛ این در واقع، اهمیت و بنا گذاشتن یک مبنای فرهنگی را نشان می‌دهد (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۶)

#### ۵ - ۴ - ۲ . فرهنگ شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است:

حرکت جامعه براساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است. دولت و دستگاه حکومت نمی‌تواند از این واقعیت مهم، خود را کنار نگه دارد، ... بگذارید ما لباسی داشته باشیم که بگوییم ایرانی است؛ به مد گرایش داشته باشیم؛ اما مدی که از داخل جوشیده باشد نه چیزی که از بیرون بیاید، مد، آرایش مو، لباس و حرف زدن ما همه‌اش دارد از بیرون می‌آید. الگوی مصرف وسایل زندگی مهم است؛ اینها را نمی‌شود نادیده گرفت. این موارد نیاز به سرمایه، فکر، هنر و همت دارد. باید موضع خود را درباره‌ی اینها معین کنیم. و بالأخره این انبار مجموعه‌ی فرهنگی باید صاحبی داشته باشد. بنابراین فرهنگ به عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه، هم، یکی از میدان‌های اساسی است (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۶۹ - ۲۶۷)

#### ۶ - ۴ - ۲ . فرهنگ به عنوان سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است:

آموزش پرورش و آموزش عالی و بهداشت و درمان، دستگاه‌های موظف دولت باید سیاست‌های کلان آموزشی و علمی‌شان را از شورای عالی انقلاب فرهنگی بگیرند (خامنه‌ای، سیدعلی

(۱۳۸۳/۰۹/۲۶)، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: قابل دسترس، سایت: (mf.farhangelm.ir/Home). یکی از کارهایی که باید در این شورا، تصمیم گیری و اجرا شود، نحوه‌ی استفاده از مدیران و اساتید وفادار به دین و نظام اسلامی و انقلاب است. عرصه‌های کلیدی و اساسی فرهنگ عمومی، همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۳۳۵ - ۳۳۴).

نکته‌ای که در تلقی مقام رهبری نسبت به فرهنگ باید گفت این است که دیدگاه ایشان راجع به فرهنگ خصلت انتزاعی، ذهنی و پیچیده ندارد، بلکه با زبانی ساده به معرفی وجوه عینی و ملموس فرهنگ می‌پردازد. همچنین با توجه به تأکید بر مصادیق و عناصر فرهنگ در اندیشه‌ی رهبری از جمله؛ دانش، ادب، تعلیم و تربیت، اعتقادات، اخلاق و عمل، گرایش‌های فکری، هنجارها، باورها و ارزش‌ها، برداشت‌ها، هنر، اجتماع و قواعد می‌توان نتیجه گرفت که بخش غیر مادی فرهنگ برای ایشان بیش‌تر اهمیت دارد و تهاجم فرهنگی نیز بیش‌تر این بخش از فرهنگ را نشانه می‌رود.

### ۳. کارویژه‌های فرهنگ در نظام سیاسی از دیدگاه رهبری

فرهنگ از دیدگاه رهبری به مثابه روح کالبد اجتماعی، نظام سیاسی محسوب می‌شود و کارویژه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد، با توجه به سخنان ایشان مهم‌ترین کارویژه‌های فرهنگ عبارتند از:

#### ۱ - ۳. مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی، سامان دادن مؤلفه‌های همگرایی فرهنگ در یک کلیت منسجم و هدفدار است که شاکله‌ی آن رفتار و نگرش فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بحث مهندسی فرهنگی، هدایت، ساماندهی و مطلوبیت فعالیت دستگاه‌های فرهنگی جامعه برای پاسخ به نیازهای مورد توجه است و در واقع پرداختن به این امر است که با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر، همه‌ی جریان‌های فرهنگی داخل و خارج کشور دیده شده و مشخص شود که عناصر فرهنگی با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. از سوی دیگر باید حرکت فرهنگ به سمت مطلوب، هدایت و مراقبت شود (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۰). در نتیجه یکی از سند‌های بالادستی مورد نیاز کشور، تدوین نقشه‌ی مهندسی فرهنگی است که باید در آن، ضمن ترسیم وضع مطلوب، نیازها نیز دیده شود و اولویت بندی شود، کجا احتیاج به مراقبت بیش‌تر دارد؛ به مواردی که در این مدت

مغفول عنه باقی مانده است برسیم و مسئله را دنبال کنیم؛ یک جاهایی سرمایه گذاری بیش تری لازم دارد، به اینها توجه کنیم. اینها مهندسی فرهنگی است (خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰ / ۰۳ / ۲۳)، بیانات در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترس، سایت: [www.sccr.ir/UserFiles/entesharat](http://www.sccr.ir/UserFiles/entesharat)).

### ۲ - ۳. اقتدار فرهنگی (اثرگذاری فرهنگی)

اقتدار فرهنگی یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۳۵). اقتدار ملی دست قدرتمندی است که مجموعه‌ی نیروهای فعال قوای سه‌گانه در تشکیل آن سهم دارند و باید وظیفه‌ی خودشان را با شجاعت و اقتدار و امید و با همکاری کامل انجام دهند. یک ملت اگر در زمینه‌های مختلف اقتدار ملی داشته باشد، مشکلات مادی و معنوی‌اش حل خواهد شد (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰ / ۰۱ / ۰۱)، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)).  
تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام شدنی مثل نفت و امثال نفت، پیشرفت نیست، ما باید اول اعتقاد پیدا کنیم که کشور به جایی برسد که بتواند با اختیار، هرگاه اراده کرد، سرچاه‌های نفت خود را ببندد. خام‌فروشی‌ها در بخش‌های مختلف مواد خام و معدنی همچنان وجود دارد و این یکی از مشکلات کشور ما است، ما اگر بخواهیم از این وضعیت نجات پیدا کنیم و به رشد اقتصادی حقیقی نائل شویم، راهش تکیه بر علم است؛ این هم از راه تقویت همین شرکت‌های دانش بنیان علمی است. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود می‌تواند ملت خود را اداره کند و به دیگر ملت‌ها خدمت برساند، احساس هویت می‌کند؛ این درست همان چیزی است که ملت‌های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند. اگر بتوانیم بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی برپایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۴ - ۱۵۳).

### ۳ - ۳. جهاد فرهنگی

جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی اینها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. لازمه‌ی جهاد وحدت می‌باشد. منظور از وحدت، هماهنگی است. اگر این هماهنگی باشد، خدا هم کمک خواهد کرد، "نَ كَانْ

لِّلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ"، برای خدا باشیم، تا خدا هم برای ما باشد" وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ بدون جهاد هیچ دشمنی از صحنه عقب نشینی نخواهد کرد و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی امکان پذیر نیست. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه، جهاد است (بی‌نا، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

#### ۴-۳. مبارزه با تهاجم و شبیخون فرهنگی

مسئله‌ی تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی در این کشور به شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود، شما می‌بینید که تبلیغات دشمن در جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان آسیب پذیر است. می‌گویند: "هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد". البته راست می‌گویند؛ با یک استثناء: "إِلَّا الْمُتَّقِينَ". متقین را نمی‌توان فاسد کرد. تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند و این را خود شما هم لمس کرده‌اید و دیده‌اید (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۵/۱۰/۱۳۷۳)، بیانات در دیدار با فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)). موج حملات فرهنگی دشمن، ایمان جوانان را هدف قرار داده است. در همه‌ی محیط‌هایی که جوانان حضور دارند، دشمن می‌خواهد، عقیده‌ی آنها را نسبت به انقلاب و دین و امام برگرداند. یعنی تهاجم فرهنگی، مسئولان کشور، این خودآگاهی را لازم دارند تا بدانند دشمن از کجا حمله می‌کند. اگر فهمیدند، بیدار خواهند بود. آن‌گاه شجاعت، تقوا و پاکدامنی آنها به کار این ملت خواهد آمد. امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند، مقاومت شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم‌ترین سنگر یک انسان عقیده و ایمان او است، نباید اجازه دهید این سنگر را از بین ببرند (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۱۱۷ - ۱۱۲).

#### ۵-۳. راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی از دیدگاه رهبری

##### ۱-۵-۳. روشنگری

مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی، تعلیم دین صحیح و پیراسته به مردم می‌باشد، آشنایی آنها با فضایل و اخلاق اسلامی است، انذار و مژده‌ی آنها به رحمت الهی است، آشنایی آنها با مسائل



اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور است. این می‌شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، آگاهی به وجود خواهد آمد. حرکت به وجود خواهد آمد؛ هدف دشمن این است که نگذارند روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، در محیط‌های مختلف کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه‌ی مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شما است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام می‌گیرد: "مَنْ يَكُنِ اللَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ" (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۲۳۸ - ۲۳۴).

### ۲- ۵- ۳. موسیقی

یکی از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی، موسیقی است. اما این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳/۱۱/۱۳۷۷)، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان: قابل دسترس، سایت: [www.hawzah.net/fa/Article](http://www.hawzah.net/fa/Article)).

### ۳- ۵- ۳. ورزش

ورزش به عنوان یک ابزار قوی در برابر تهاجم فرهنگی قابل طرح است. اما در این زمینه اول، برنامه ریزی کلان و تصمیم‌گیری اساسی در مورد گزینش ورزشی که باید، برای آن سرمایه‌گذاری کرد، لازم است. اگر ما در این بخش سرمایه‌گذاری کنیم و تدبیر نماییم، بلاشک در میدان‌های ورزشی دنیا همان اتفاقی خواهد افتاد که در جنگ به وسیله‌ی بسیجی‌های ما که از همه‌ی تجهیزات مدرن دنیا تقریباً منقطع بودند، اتفاق افتاد، ... برای رفتن به مصاف تهاجم فرهنگی، بایستی متمسک به فرهنگ خودی شویم (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۵۰۷).

### ۴- ۵- ۳. مبارزه با ماهواره

ماهواره واقعا گنداب فساد است که تیرهای زهراگین خود را به سمت ملت‌ها و کشورها، هدف گیری می‌کند (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

### ۵- ۵- ۳. حفظ ایمان، تقوا و عمل صالح

مادامی که شما ایمان، تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید، قدرت خدا در اختیار شماست. در میدان سازندگی، در میدان توطئه‌ی تبلیغاتی، در میدان مبارزه و تهاجم فرهنگی، اگر

دشمن با همه‌ی حجم و قدرت و تنوع ابزار تبلیغاتی وارد شود، در مقابل ملت مؤمن، هیچ اقدامی نخواهد توانست بکند (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۴۳ - ۲۴۲).

### ۶ - ۵ - ۳ . جوانان

از کارهای اساسی استکبار این است که با نفوذ در نسل جوان، ایجاد فساد در میان سربازان واقعی اسلام، جوانان را به مسائل فسادبرانگیز سرگرم و مشغول کرده است (خامنه‌ای، سیدعلی (۳۰/۱۳۷۰/۰۵)، بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم آباد، قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)).

### ۷ - ۵ - ۳ . تقویت رسانه‌ها

مبارزه‌ی شایسته با تهاجم فرهنگی غرب در ابعاد مختلف، باید درصدد برنامه‌های رسانه‌های عمومی قرارگیرد (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۴۴۶).

### ۸ - ۵ - ۳ . سبک زندگی اسلامی

اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم، این تمدن نوین دو بخش دارد: بخش اول، بخش ابزاری؛ عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این بخش، بخش حقیقی اصلی تمدن است و می‌توان این بخش را بخش نرم افزاری تمدن و بخش اول را بخش‌های سخت افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد، همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته است. در آنجا افسردگی، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با این که ثروت هست؛ بمب اتم هست؛ پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هست، اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم، تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند (خامنه‌ای، سیدعلی (۲۳/۰۷/۱۳۹۱)، بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)).

در نتیجه تحقق آرمان‌ها و اهداف جامعه‌ی اسلامی مستلزم تأمین کارکردهای فرهنگی آن

است. مقام معظم رهبری (دام ظلّه) فرهنگ را عامل شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی و جهت بخشی و تأثیرگذار در عرصه‌ی تصمیمات کلان کشور دانسته و مهندسی فرهنگ را به منزله‌ی بازشناسی، آسیب شناسی، پالایش و ارتقابخشی فرهنگ و جهت دهی آن برپایه‌ی هویت اصیل اسلامی - ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی ببین می‌نمایند.

با توجه به اینکه بی‌توجهی و عدم اهتمام لازم به مقوله‌ی فرهنگ خسارت‌های جبران ناپذیری بر حیات یک ملت وارد می‌آورد و آن را در معرض نابودی قرار می‌دهد. لذا باید تلاش کرد تا عنصر فرهنگی به آسانی در اختیار همه‌ی اقشار جامعه قرار گیرد و به گونه‌ای رفتار شود که کالاهای فرهنگی مانند کالاهای مصرفی و اقتصادی به سوداگری نیفتد. در این جهت، محافظت از مرزهای فرهنگی و پاسداری از ارزش‌ها و سنن اسلامی در برابر تهاجم گسترده‌ی فرهنگی بیگانگان، نیازمند مدیریت‌های موفق، در همه‌ی سطوح فرهنگی است. بنابراین مدیران و متولیان امور فرهنگی در سازمان‌های تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی کشور بایستی در مسیر آرمان‌های دین مقدس اسلام به فعالیت‌های مدیریتی و فرهنگی اقدام ورزند و هر چه میزان تقیدات مذهبی آنها بیش‌تر باشد تلاش بیش‌تری برای حاکمیت تمدن اسلامی از خود نشان خواهند داد و از آنجا که فرهنگ جامعه، تنظیم کننده‌ی نحوه‌ی احساس، اندیشه و رفتار مردم است، تصمیمات فرهنگی مدیران می‌تواند جهت این تنظیمات را در مسیر اسلامی شدن قرار دهد.

#### ۴. آسیب‌های فرهنگی جامعه‌ی ایرانی و راهکارهای برون رفت از آن، از دیدگاه

##### رهبری

مقوله‌ی فرهنگ زمانی که در رفتار افراد جامعه‌ی انسانی متبلور می‌شود، ناگزیر دربردارنده‌ی اشکالات و آسیب‌هایی خواهد بود. مهم‌ترین نقشی که نظام سیاسی و رهبران آن در این مورد می‌توانند داشته باشند، آسیب شناسی دقیق و ارائه‌ی راه کارهای کارآمد است. مقام رهبری در طی سخنان و بیان دیدگاه‌های خود در موقعیت‌های مختلف تلاش نموده این آسیب‌ها را شناسایی و در جهت رفع آن راه کارهایی ارائه دهند که در ذیل به مواردی از آسیب‌ها و راه‌کارها از منظر ایشان اشاره خواهد شد.

#### ۱ - ۴. آفت بی‌عدالتی و لزوم برقراری عدالت

در این مرحله از انقلاب هدف عمده عبارت است از ساختن کشور نمونه که در آن رفاه مادی با

عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان‌های انقلابی با برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام، تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی تضعیف یا مورد غفلت قرار گیرد، بقای انقلاب و عبور آن از مرحله‌ی گوناگون ممکن نخواهد بود. تداوم و پویایی انقلاب اسلامی که ثمره‌ی خود را در نظام جمهوری اسلامی تجلی بخشیده است، وابسته به اصل عدالت اجتماعی است. و از جمله تهدیدات انقلاب اسلامی ایران، آفتی به نام بی‌عدالتی است که باید با تمام توان در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و قضایی و در ساختار جامعه، روح عدالت، دمیده شود و گر نه فلسفه‌ی انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود. پرچم عدالت به وسیله‌ی اسلام برافراشته شده است، اما دشمنان نمی‌خواهند بگذارند که واقعیت عدالت در نظام جمهوری اسلامی پدید بیاید. ایجاد عدالت اجتماعی به معنای آن است که کشور بتواند از ثروت‌های طبیعی و استعداد‌های انسانی خود استفاده کند و بهره‌های این پیشرفت و ترقی را میان همه‌ی مردم تقسیم و توزیع کند (راهبردهای ولایت، ۱۳۸۲، ۶: ۱۸۱ - ۱۷۷).

#### ۴. بحران واگرایی و لزوم همگرایی

از نظر مقام معظم رهبری هوشیاری و حفظ وحدت، موجب مصونیت ملت در برابر تهدیدهای دشمن است. امروز امت اسلام اگر در مقابل تهدیدات قرار می‌گیرد، این ناشی از یکپارچه نبودن این حجم عظیم و این پیکر بزرگ است. ما ملت ایران به سهم خود به عنوان پرچمداران اسلام، به عنوان نمایان استقلال، عزت و شرف یک ملت باید این آسیب‌ها را به درون خود راه ندهیم (خامنه‌ای، سیدعلی (۱۹/۱۱/۱۳۸۰)، بیانات در دیدار با نیروهای ارتش: قابل دسترس، سایت: [www.farsnews.com/newstext](http://www.farsnews.com/newstext)، دشمنان با ایادی خود می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند و مدیران کشور را در جبهه‌های متفاوتی نشان دهند، آرزوی دشمنان این است که قوای سه‌گانه به جان هم بیفتند. مسئولان باید هوشیار باشند و بدانند امروز کشور به چه چیز نیاز دارد. "خوش بختانه ترکیب قانون اساسی ما راه حل مشکلات را معین کرده است. و رهبری را به عنوان محور در نقطه‌ی مرکزی همه‌ی مسئولان قرار داده است. این امکان و فرصت خیلی بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه با همدیگر کار کنند" (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲ - ۲۳۱).

#### ۳- ۴. آفت ضعف در مقابل ابرقدرتها و لزوم برخورداری از استقلال

نظام اسلامی در برابر اردوگاه شرق و غرب ایستاده است. هزینه‌ی استقامت و عزتمندی، کمتر از

تسلیم و زبونی است، دشمنان فشار می‌آورند، اما برای استقلال و حفظ هویت یک ملت و شرمنده نشدن در مقابل تاریخ، تحمل این سختی‌ها لازم است. کوتاه آمدن در برابر استکبار چیزی جز تسلیم و زبونی به همراه ندارد، نیرو و اقتدار یک نهضت به این است که از درون خود بجوشد و صدق خود را به پیروانش نشان دهد، راه حل‌ها را از فکر خود بیابد و شیوه‌های کار منطبق با همان فکر و راه خود را پیدا کند. دشمنان می‌خواهند با مطرح کردن جنگ و تهدید به جنگ، ملت و درجه‌ی اول مسئولان را مرعوب کرده و وادار کنند که در مقابل آنها تسلیم شوند، منافع آنها را تأمین کنند و به ملت خود خیانت نمایند. اما خدمت به ملت ایران یک افتخار است. مسئولان کشور روی دفاع از حقوق و حفظ حیثیت و آبروی این ملت و استقلال این کشور همداستان و همسخن‌اند (راهبردهای ولایت، ۱۳۸۳، ۷: ۴۳۷ - ۲۲۲).

#### ۵ - ۴. آفت القای ناکارآمدی نظام و لزوم آگاهی بخشی

از آنجا که پایداری نظام جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری انقلاب در سطح بین‌المللی بسته به موفقیت و کارآمدی و توان مدیریتی قوی در سطح داخلی و جهانی می‌باشد، لذا دشمنان انقلاب اسلامی درصدد شکست انقلاب برآمده‌اند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه فرمودند: دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران فقط به دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند، یکی از مسائلی که می‌تواند آسیب جدی به انقلاب بزند این است که ناکارآمدی نظام را به مردم القا کنند، یعنی بگویند این نظام نمی‌تواند، خواسته‌های مردم را برآورده کند و از این طریق مشروعیت نظامی که با آراء و با مجاهدت‌های مردم سر کار آمده است را زیر سؤال ببرند و با القای آن به مردم، ارتباط مستحکم با نظام اسلامی را از بین ببرند. طرح بحران مشروعیت در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی برای سلب اعتماد مردم است که آن مقصود دوم حاصل شود، این که دسته بندی و اختلاف ایجاد کنند، یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۲ - ۱۲۱). این دو نقطه‌ی امید برای استکبار و دشمنان نظام اسلامی وجود دارد. همه متوجه این دو نقطه باشند (راهبردهای ولایت، ۱۳۸۳، ۶: ۳۹۲).

#### ۶ - ۴. آفت تنزل جایگاه زن و لزوم احیای هویت اسلامی

فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بند و باری و به ابتذال کشاندن زنان، موجب شده است که در غرب بنیان خانواده سست و متزلزل گردد. با وجود این امر در فرهنگ غرب، آنها می‌شوند مدافع حقوق زن. در حالی که چنین چیزی نیست. گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه زن است.

احیا و حفظ هویت والای زن اسلامی امروز وظیفه‌ای است بر دوش زنان مسلمان؛ هویت اسلامی زن این است که در عین این هکته هویت و خصوصیت زنانه‌ی خود را حفظ می‌کند، باید در میدان ارزش‌های معنوی پیشرفت کند، در عرصه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده‌ی خود، شناخت هدف‌های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن باید روزبه رو پیشرفت کند و هم در زمینه‌ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۹۹ - ۱۱۸/۲۹۷).

#### ۷-۴. بحران‌های الگوپذیری از فرهنگ غرب و لزوم تقویت فرهنگ خودی

ما هم‌اکنون نباید نگاه کنیم ببینیم که غربی‌ها از چه بازی حمایت می‌کنند. ما هم از همان بازی حمایت نکنیم. ما کارهای خوب داریم که مال ما است، چوگان مال ما است، دیگران به اسم خودشان کرده‌اند؛ این را ترویج کنید؛ ورزش باستانی یک ورزش زیبا و هنری است، اینها را پیش ببرید و ترویج کنید که بچه‌ها به سمت اینها بروند (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۲۷۲ - ۲۷۱).

#### ۸-۴. آفت هرج و مرج فرهنگی و لزوم مدیریت فرهنگی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که به فرهنگ وارد می‌شود را می‌توان هرج و مرج فرهنگی دانست، زیرا تأثیر به‌سزایی در جامعه دارد. اگر چه در جامعه و در یک مجموعه‌ی فرهنگی، هر متاع مفسودی عرضه شد بدون هیچ مؤاخذه و مسئولیتی، این هرج و مرج است، منطقی هم هست. هیچ کس هم تردیدی ندارد، مدیریت فرهنگ، در مقابل هرج و مرج فرهنگی است، به معنای استبداد و به معنای تحمیل نیست، یعنی نباید حمل بر این معانی بشود (خامنه‌ای، سید علی (۱۵/۱۰/۱۳۷۷)، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: قابل دسترس، سایت: [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart))

رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین عامل در بحث آسیب‌های فرهنگی، را عامل درونی می‌بیند که زمینه‌ساز وابستگی در عرصه‌های دیگر اجتماع می‌شود. این عامل همان خودباختگی و ازخودبیگانگی، گم‌گشتگی فرهنگی، فراموش کردن خود و زمینه‌های فرهنگ خودی و در یک کلام وابستگی فکری است. تأمل در این زمینه که عناصر فرهنگی یک جامعه از یک به هم پیوستگی خاصی برخوردار است به طوری که ورود یک عنصر فرهنگی بیگانه، خواه ناخواه دیگر عناصر آن

فرهنگ را نیز به همراه خود وارد می‌کند، لذا نمی‌توان فن‌آوری غرب را وارد نمود، ولی از ورود و نفوذ اخلاق و ارزش‌های غربی غافل باشیم. بنابراین برای مبارزه به هژمونی فرهنگی غرب باید آنچنان در جهت تقویت اهداف فرهنگ خودی کوشید و نیز در جهت هماهنگی اهداف فرهنگ استقلالی با هنجارها و امکانات ساختاری نیل به آن اهداف تلاش نمود تا با ورود ارزش‌های غربی در درون فرهنگ خودی هضم و جذب گردد و در برابر سلطه‌ی فرهنگی ایمن شویم.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اندیشه‌ی مقام معظم رهبری به عنوان یک کل منسجم و واحد در افق‌های بلندمدت خد نقاط روشنی را دنبال می‌کند. خطابه‌ها و تذکراتی که ایشان هر بار متناسب با شرایط و مقتضیات سیاسی - اجتماعی برای هدایت دولتمردان نظام در راستای اجرای وظایف قانونی‌شان در دوره‌های متفاوت زمانی ایراد کرده‌اند، هر کدام بخش‌های متنوع این کل منسجم را نشان می‌دهند. در نتیجه برنامه ریزی و اجرای سیاست‌های مناسب برای حوزه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی در چارچوب نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تنها با لحاظ کردن اهداف و آرمان‌های واقعی نهفته در ارزش‌های والای انقلاب اسلامی ممکن خواهد بود. ارزش‌های بی‌بدیلی که از یک-سو در کلام و عمل رهبر انقلاب و از طرف دیگر در اندیشه‌های مقام معظم رهبری به صورت کلی، منسجم و یکپارچه وجود دارد.

### منابع و ماخذ

۱. اسمیت، فی‌لیپ (۱۳۸۳)، *درآمدی بر نظریه‌های فرهنگی*، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. (بی‌نا) معاونت سیاسی نیروی زمینی سپاه (۱۳۸۲) *راهبردهای ولایت (۶)*، سیاسی، تهران: نسل کوثر.
۳. (بی‌نا) معاونت سیاسی نیروی زمینی سپاه (۱۳۸۳) *راهبردهای ولایت (۷)*، محورهای موضوعی بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال خدمت‌رسانی به مردم ۱۳۸۲، سیاسی فرهنگی، تهران: نسل کوثر.
۴. (بی‌نا) مرکز صهبا (۱۳۹۱)، *دغدغه‌های فرهنگی: شرحی مزجی یکی از بیانات محوری مقام*

- معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ با استفاده از دی‌گر بیانات معظم له، چاپ سی‌زدهم، تهران: مؤسسه ای‌مان جهادی.
۵. (بی‌نا) مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (۱۳۸۹)، فرهنگ و عرصه فرهنگی؛ اصول، مبانی، ضرورت‌ها و مسئولیت‌ها: از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران: قدر ولایت.
۶. جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۹۲)، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر.
۷. جلالی مقدم، م (۱۳۷۶)، «برداشت‌های گوناگون از فرهنگ»، کی‌هان فرهنگی، ش ۱۳۸، زمستان.
۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۹. رشاد، علی‌اکبر؛ رشاد، حامد (۱۳۹۱)، «تأملی در باب فلسفه فرهنگ: تعریف "فرهنگ"»، پای‌ی‌ز، ش ۲۸-۲۷، صص ۱۱ - ۱۰.
۱۰. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۷)، زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار.
۱۱. سوی‌نج وود، آلن؛ رضایی، محمد (۱۳۸۰) «تحلیل فرهنگی و نظریه‌سیستم‌ها: مفهوم فرهنگ مشترک: از دورکی‌م تا پارسونز»؛ ارغنون، ش ۱۸، (پای‌ی‌ز)، ۲۹۲ - ۲۷۵.
۱۲. سی‌اهپوش، امیر؛ آقای‌ی، علی (۱۳۸۹) فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر تهران.
۱۳. طبیبی، حشمت‌الله (۱۳۵۲)، «مفهوم فرهنگ و انتقادات آن»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره اول، ش ۹، صص ۵۷ - ۴۷.
۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «فرهنگ، بخش فراموش شده‌ی عنصر ذاتی روابط بین‌الملل»، فصلنامه سی‌است خارجی، سال نوزدهم، (تابستان).
۱۵. کلارک، یان (۱۳۸۲)، جهانی شدن و نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه فرامر تقی‌لو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۶. کلنر، داگلاس (۱۳۸۳)، «مارکسیسم فرهنگی و مطالعات فرهنگی»، ترجمه وحید ولی‌زاده، فصلنامه اقتصاد سیاسی، ش ۱۰: ۱۴۳ - ۱۴۱.



۱۷. مشیرزاده، حمی‌را (۱۳۸۳)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
۱۸. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۰)، «فرهنگ و اصلاحات» (بررسی جامعه‌شناختی دیدگاه حضرت امام درباره فرهنگ)، دانش انتظامی، پای‌یز، ش ۱۰، صص ۱۲۱ - ۹۲.
۱۹. محمدی، کری‌م‌خان (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی مکتب انتقادی فرانکفورت و مطالعات فرهنگی بی‌رمگام*، علوم سیاسی، سال شانزدهم، ش ۶۲، (تابستان).
۲۰. ی‌اراحمدیان، سید مهدی (۱۳۹۳)، «*مروری بر نظریه فرهنگ مکتب فرانکفورت*»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش؛ ویژه علوم اجتماعی، ش ۱۷، (بهار)، ۷۲ - ۴۹.
۲۱. یوسفیان، جواد (۱۳۸۶)، «*نگاهی به مفهوم فرهنگ*»، مجله رشد علوم اجتماعی، ش ۲، (زمستان)، ۲۵ - ۲۱.

#### سایت:

- [1] [farsi.khamenei.ir/newspart](http://farsi.khamenei.ir/newspart)
- [2] <http://nahad.um.ac.ir>
- [3] [hawzahnews.com/text version detail](http://hawzahnews.com/textversion/detail)
- [4] [mf.farhangolm.ir/Home](http://mf.farhangolm.ir/Home)
- [5] [www.sccr.ir/UserFiles/entesharat](http://www.sccr.ir/UserFiles/entesharat)
- [6] [www.farsnews.com/newstext](http://www.farsnews.com/newstext)